

عبدالاحمد فیض

شکایت احتمالی کابل در شورای امنیت در انحصار دیپلوماسی اسلام آباد

حادثه مرگبار تروریستی اخیر در شهر کابل که بیشترین قربانیان آن افراد غیرنظامی بوده و بوسیله شبکه تروریستی حقانی که در قلمرو پاکستان از سنگرمطمین و حمایت های وسیع تسلیحاتی، مالی و اطلاعاتی برخوردار است، باعث شده که کابل بعد از سالها سکوت و باورهای کاذب به وعده های دروغین عمده ترین عنصر خارجی تمویل کننده جنگ در افغان نستان و عریان ترین پایگاه برای سربازگیری، تربیت و تجهیز گروه های دهشت افکن و ترور یستی جهان یعنی پاکستان، شجاعانه تر نسبت به گذشته از حق خود در دفاع از حاکمیت ملی، امنیت شهروندان و استقلال کشور در برابر تجاوز و مداخلات مستمر و سیستماتیک اداره بدنام جاسوسی (ای-اس-ای) و نظامیان مرتجع پاکستان سخن زده و بخاطر فروکش خشم و نفرت همگانی و کنترل افکار عامه در برابر جنایات و وحشیانه اجیران خارجی ضمن دستوری به امادگیهای رزمی نیروهای امنیتی کشور در نبرد علیه گروه های هر اس افگن چندین هویتی به سفیر کشور در سازمان ملل متحد وظیفه سپرده شد تا اعتراض کتبی افغان نستان را در برابر تجاوزات اشکار کشور پاکستان علیه افغان نستان که دارای گذشته سیاه بیش از سه دهه میا شد به شورای امنیت ملل متحد ارائه دهند. موقف جدید کابل که بدون تردید موافقان و مخالفان زیاد خود را دارد، در مبارزه قاطع در برابر شبکه های فعال تروریستی و اتخاذ رویکرد متنا سب در برابر حامیان منطقوی تروریزم، موجب ایجاد فضای جدید سیاسی در نبرد علیه گروه های دهشت افکن گردیده و از حمایت و استقبال کم سابقه در میان افشارگونگونگن جامعه و طیفهای وسیع سیاسی، اجتماعی برخوردار گردید.

فلهذا اگر کابل یکبار دیگر در نتیجه دیپلوماسی فریب و اغواگرانه محورهای همسویا اسلام آباد مجبور به عقب نشینی از حق مشروع خود مبنی بر طرح شکایت رسمی از تداوم مداخلات و تجاوز اشکار خارجی به امور داخلی کشور به شورای امنیت نگردیده و چنین شکایتی صورت گیرد، شورای امنیت مکلف میگردد تا شکایت جانب افغانستان را متکی بر دلایل ذیل مورد رسیدگی قرار دهد.

۱- حضور گسترده شبکه های تروریستی چندین ملیتی در قلمرو پاکستان که علی الرغم هوشدارهای مکرر جامعه بین المللی آن کشور به حمایت خود از چنین گروه های ادامه داده است.

۲- استفاده اسلام آباد از محافل مخوف تروریستی بمثابه ابزار سیاست خارجی.

۳- تمویل منابع مالی، لوژیستیکی، تسلیحاتی و اطلاعاتی گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان و اعتراف آن کشور مبنی بر حضور و مساعدتهای همه جانبه به جنگجویان مسلح افغان نستان در قلمرو پاکستان.

۴- تداوم و استمرار حملات مرزی ارتش و اداره جاسوسی اسلام آباد در ولایات شرقی کشور.

۵- سرباز زدن تعمدی اداره تجاوز کار نظامی اسلام آباد از ضرورت همکاری طرفین جهت پایان دادن به خشونت، در دوام مردم افغان نستان و نیل به صلح، امنیت و ثبات پایدار در منطقه ما که بوضوح با اصل حل مسالمت آمیز منازعات مندرج در فقره سوم ماده دوم منشور در تعارض اشکار قرار دارد.

۶- حمایت عناصر معین در اسلام آباد از تروریستانی که با انجام حملات و وحشیانه بالای مکانهای غیر نظامی جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت را با بی اعتنایی، بی رویه و بیشرمانه انجام میدهند.

فلها بادر نظر داشت ادله متعدد اثبات در مسوولیت تجاوز و مداخله اداره اسلام اباد ، مسوولیت ان کشور بر بنیاد احکام مندرج در فصل هفتم منشور توصیف میگردد که مستلزم حق توسل بزور در برابر چنان متجاوزی است که به هیچ اصول جهانی، اخلاق و انسانی پایند نبوده و کاربرد زور و بکارگیری مزدوران جنگی را بیحس و سبیله دستیابی به نیات و اهداف راهبردی ان در منطقه و افغانستان می پندارد اما باتوجه به دیپلوماسی چند بعدی اسلام اباد و حضور متحدان و حامیان ذینفوذ و دارنده حق ویتودر شورای امنیت چون بریتانیا، چین و حتی ایالات متحده یعنی بزرگترین قدرت در نبرد برضد دهشت افگنی و تمویل کننده افغانستان ، تجویز استفاده از زور که مشمول نابودساز ی پایگاه های تروریستی مستقر در قلمرو پاکستان نیز بایست گردد موضوع محکومیت اسلام اباد در پیوند با تجاوز مستمر ان کشور علیه حق حاکمیت و مردم افغانستان حتی مورد بحث در شورای اقرار خواهد گرفت، در حالیکه نمونه های متعدد از سرکوب خشن و بی رویه حاکمیت های مستقل را در دوران معاصر و در پراتیک مناسبات بین الملل شاهد بودیم که بجرم خطر تجاوز، آمادگی به تجاوز و یا به بهانه تولید و نگهداری تسلیحات غیر متعارف کوبیده شده و کاربرد سلاح در برابر دشمن احتمالی در قالب صدور قطعنامه شورا بعضاً مشروعیت حقوقی نیز کسب نموده است. هکذا احتمال رای منفی در شکایت افغانستان که عنصر تجاوز اشکارا در ان بوضوح متباز است از منظر حقوقی منتفی است زیرا کاربرد امتیاز حق ویتودر شکایت مستدل و مؤجه کشور ما از هر جانی که باشد دال بر مشروعیت تجاوزات عریان اسلام اباد و کلیه عملکردهای گروه های مخالف مسلح است که در یک جبهه جنگ نیابتی و با ارتکاب جنایات جنگی و جنایات ضد بشری علیه رزمندگان بین المللی مستقر در افغانستان و قوای امنیتی کشوری جنگند لذا، اتانیکه محکومیت پاکستان را در چهار چوب احکام فصل هفتم منشور عجیب می پندارد به هیچ وجه مسوولیت مشروعیت نبردهای تحمیلی را نخواهند بخشید که از جانب مخوفترین گروه های شرارت پیشه به پیش میرود . فلها انچه بعد از رسیدگی به شکایت کشور ما روی میز شورای امنیت قرار خواهد گرفت ، رسیدگی دعوی در پرتو احکام مندرج در فصل ششم منشور خواهد بود و تلاش خواهد شد تا طرفین اختلاف را به حل مسالمت آمیز ترغیب نموده و با تائید شکایت جانب کابل ، کماکان از اداره نظامی و جاسوسی پاکستان خواسته خواهد شد که از تداوم استراتژی جنگ علیه افغانستان دست برداشته و به حضور نیروهای تروریستی در خاک خویش خاتمه بخشد.

فلها صدور چنین یک قطعنامه با محتوی فوق (ترک مسالمت امیز اختلافات) انهم در برابر حملات مسلحانه پیهم و مستمر اسلام اباد در ولایات شرقی و جنوب شرقی کشور که در برابر دیدگان قشون بین المللی در کشور ما صورت میگیرد، معماری نقشه های عملیاتی ، تسلیح ، تمویل و تجهیز دسته جات ادمکش که تحت نظر و اداره سازمان اطلاعات نظامی اسلام اباد صورت گرفته و غرض قتل، کشتار و ویرانیهای گسترده به افغانستان اعزام میگردند و این روند در سالهای اخیر ابعاد وسیع کسب نموده است و نیز با در نظر داشت گستره جنایات، وهشت و ویرانی های که جنگ نیابتی تحت اداره ماشین جنگی اسلام اباد در کشور ما ایجاد کرده است ، بوضوح میتوان اذعان داشت که اتخاذ هرگونه تصمیمی مبنی بر محکومیت ضمنی عنصر تجاوز در قلمرو افغانستان که بر بنیاد احکام مربوط به فصل ششم منشور ملل متحد در شورای امنیت صورت گیرد ، از منظر حقوقی با احکام مندرج در بند (۲) ماده (۲) و احکام ماده (۴۲) منشور ، اصل تساوی دول ، پرنسپ عدم تجاوز و بلاخره معیارهای عادلانه که ملل متحد بر اساس ان پایگذاری شده است در تناقض اشکار قرار میگیرد. اما طرح شکایت احتمالی کشور ما قطع نظر از نحوه موضعگیری شورای امنیت که از سیاست همسوی با اسلام اباد و دیپلوماسی توأم با دماغوژی، خدعه و کذب ان کشور رنج میبرد ، موجب خواهند شد تا ندای دادخواهان و صدای نفرت و انزجار مردم افغانستان در برابر سیاست تجاوز اشکار پاکستان خارج از مرزهای منطقوی در مقیاس جهانی مطرح گردیده و اداره تجاوز کار نظامی و اطلاعاتی اسلام اباد بمثابة فکتورا صلی بحران کشور ما و بی ثباتی منطقه در افکار عامه جهان محکوم گردد.

